

نگاهی به فیلم «سال گریه»

ابرو باد و مه خورشید ناکام در خنداندن تماشاگر!

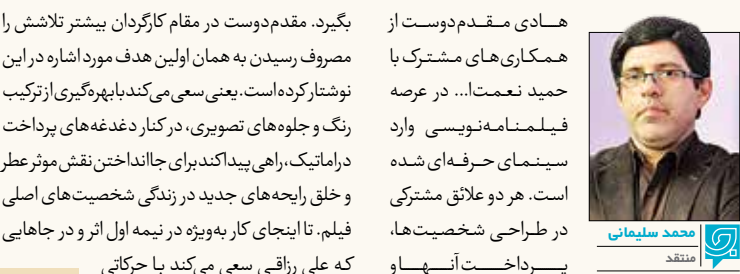
این روزها فیلم «سال گریه» به کارگردانی مصطفی تقی‌زاده بر پرده سینماست، فیلمی که با فروش بیش از ۵۴ میلیارد تومان در رتبه چهارم جدول فروش جای گرفته است. سال گریه فیلمی نیست که پیچیدگی زیادی داشته باشد، مشخص است که برای گیشه ساخته شده تا بار دیگر با حضور بهرام افشاری، موفقیت فروش «فسیل» را تکرار کند اما با وجود فروش خوب و استقبال تماشاگران، هنوز نتوانسته از لحاظ محتوا و مضمون مخاطبان را راضی کند. چرا که براساس یک خرافه شکل گرفته است. داستان فیلم سال گریه، داستان کسی است (بهرام افشاری) که می‌خواهد به هر قیمتی – حتی به بهای یک عقیده خرافی – معروف شود. در این فیلم با جهانگیر غزنوی، شخصیتی روبه‌رو هستیم که نیازی به تلاش برای رسیدن به خواسته‌اش ندارد و هرکس با او در سال گریه روبه‌رو شود، دچار بلایی می‌شود اما خودش مثل نوح، عمری طولانی دارد و جان سخت است، همین موجب معروف شدنش می‌شود. تا جایی که در فیلم‌های دیگر به یاد می‌آوریم، «من و شارمین» به کارگردانی بیژن شریمرز که در سال ۹۴ ساخته شد از لحاظ محتوا و مضمون خرافاتی‌اش، زمینه‌ مشترکی با فیلم سال گریه دارد. در فیلم من و شارمین، دختری خرافاتی بنا به توصیه‌های عمه‌ رمالش، منتظر فردی به نام شارمین کویال اصل نشسته تا به زندگی‌اش وارد شود و با او ازدواج کند که این سوزه هم خیلی از زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، فاصله دارد.



حالا در سال گریه، جان سختی جهانگیر غزنوی و دردسرها و عواقبی که هر ۱۲ سال در چرخه طالع‌بینی چینی دامن معاشران او را می‌گیرد، سوزه اصلی داستان است تا حداقل کمی از مخاطب خنده بگیرد که متأسفانه چندان موفق نیست. خرد در روایت‌ها و موقعیت‌های سال گریه که شاید در قالب کمدی فانتزی جای بگیرد، بسیار پراکنده است؛ یعنی انگار قصه‌هایی که در اصل و منطق هیچ ربطی به هم ندارد در قالب یک قصه قرار داده شده تا مخاطب را بخنداند. در این زمینه از طریقت حرکات موزون در سینمای هند هم بهره گرفته شده تا ابرو باد و مه و خورشید در کار خنداندن تماشاگر باشد اما باز هم تماشاگر خسته از سالن سینما بیرون می‌رود. سازندگان فیلم تلاش کرده‌اند یک ساعت و نیم تماشاگران را روی صندلی نگه دارند اما اصولاً فیلمی که در پایان تماشاگران دائم به ساعت‌شان نگاه کنند که کی تمام می‌شود، آورده‌ای ندارد. علاوه بر این، آنچه موجب سقوط این کمدی از نفس افتادنش می‌شود، استفاده از بازیگرانی است که کنار هم جذاب نیستند، مادر «میشا»- زن جهانگیر - هیچ ربطی به خود میشا و شخصیتش ندارد و با با بددهانی و غرغروب‌یی خود نسبت به دامادش، سعی دارد خنده بیافریند اما مخاطبان را بیشتر دچار احساس منفی می‌کند. آخرین دستاویز این فیلم برای بیشتر دیده شدن، حضور صدم ثانیه‌ای از بازیگرانی مثل مهرداد صدیقیان و بهنام بانی است که در حال فرار از دست شخصیت اصلی هستند و این نشان می‌دهد دست فیلمساز از فیلمنامه و موقعیت خنده‌دار خالی است. همچنین حضور رضا رشیدپور که اتفاقاً به داستان مربوط است هم چندان نتوانسته تماشاگر را راضی کند و این فیلم با نمایش هزار باره گورستان و فوت‌شدگان و زنده شدن مردگان، سعی داشته کمدی گروتسک خلق کند که در این مورد هم به طور کامل الکن است. به طور کلی، سال گریه ضربه اصلی‌اش را طبق معمول از فیلمنامه، روایت‌های پراکنده و مدت طولانی فیلم می‌خورد که سعی داشته قصه واحدی خلق کند که باز هم ناکام مانده و حرف زیادی برای گفتن ندارد.

جایزه پیبادی به گزارش‌های غزه رسید

جایزه پیبادی که سالانه به برنامه‌های تلویزیونی، رادیو/ پادکست و رسانه‌های دیجیتال اهدا می‌شود و از سال ۲۰۲۰ به دلیل کرونا تعطیل شده بود، امسال به بیسان عودا، فعال فلسطینی برای گزارش‌های ویدئویی‌اش از غزه اهدا شد. این ویدئوها که با عنوان «این بیسان از غزه است و من هنوز زنده هستم» بازخورد‌های وسیعی در رسانه‌ها داشته و توسط این فعال رسانه‌ای از منطقه جنگی غزه ارسال می‌شد،



هادی مقدم دوست در مقام کارگردان بیشتر تلاش را مخمرک‌های مشترک با حمید نعمت‌... در عرصه فیلم‌نامه‌نویسی وارد سینمای حرفه‌ای شده است. هر دو علائق مشترکی در طراحی شخصیت‌ها، پرداخت‌آن‌ها و

مضمون یابی‌هایی در خدمت مضامین اخلاقی‌گرا و قرار دادن شخصیت‌ها در موقعیت‌های دشوار دارند. از زندگی ساده در شرایط جنگی گرفته تا سرک‌کشیدن به فطرت و سرشت انسان‌هایی که گاه در اوج تلاش برای یافتن راه درست زندگی به هیولاهایی مخوف با عکس‌العمل‌های غافلگیرکننده تبدیل می‌شوند. غرض این‌که در ارزیابی فیلمی با مشخصه‌های «عطرآلود» در وهله اول با فیلم‌نامه‌نویسی با تجربه و مستعد مواجهیم که فیلمنامه درست و درمان و تاثیرگذار و مشخصه‌هایش را به خوبی می‌شناسد و حتی در تجربه اول کارگردانی‌اش «سره‌مهر» هم به خوبی از این تسلط بر قواعد درام و پرداختن به شخصیت‌های درونگرا و استفاده از مونولوگ بر اساس منطق داستانی بهره می‌گیرد.

عطر در مقام شخصیت

هادی مقدم دوست در تجربه جدید کارگردانی‌اش، تقریباً برای اولین بار به سراغ فیلمنامه‌ای از دیگران می‌رود و سعی می‌کند این بار به تجربه‌هایش در کارگردانی سر و شکل منسجم‌تری ببخشد و اتفاقاً ایده اولیه فیلم هم دل یک اتفاق مهم در زندگی علی رزاقی، شخصیت اصلی فیلم بیرون بیاید و آن هم تلاش برای رسیدن به رایجه‌ای نو و تجربه‌نشده بر بستر رقابت در عرصه عطرسازی است. یعنی درام فیلم باید روی امراریک جوان مستعد عطرساز برای ارائه توانایی‌هایش، موانع پیش‌روی او در عرصه بازار و رقابت، بیماری او و رویارویی با تبعات هولناکش شکل

اوضاع لحظه به لحظه غزه را به تصویر کشیده است. بیسان عودا پس از دریافت این جایزه در پیامی ویدئویی گفت: «این جایزه را تقدیم می‌کنم به تمام دانشجویانی که در حال تظاهرات هستند و همه افرادی که در خانه در بایکوت محصولات به نفع اسرائیل مشارکت کردند و به همه مردم جهان.» به گزارش هالیوود ریپورتر، در این مراسم ۲۴ جایزه برای برنامه‌های تلویزیونی، رادیو/ پادکست و رسانه‌های



نگاهی به فیلم «عطرآلود» ساخته هادی مقدم دوست

عبور از ملودرام سطحی با عطر تولد

روبه‌رو کند؛ کسانی که سعی می‌کنند در موقعیت‌های دشوار زندگی و به‌ویژه در بزنگاه انتخاب مسیر درست، از نیروی ذهنی خودشان برای غلبه بر مشکلات بهره بگیرند. حالا این نیروی ذهنی در عطرآلود در قالب تصویری رنگین از مراحل عطرسازی، با زگشت به گذشته‌ها و دوران نوجوانی باید در قالب شخصیت‌های اثر با فاعل شود و این همان جایی است که فیلم برای تاثیرگذاری حداکثری بر مخاطبانش با مشکل روبه‌رو می‌شود.

جلوه‌های بصری موثر

علی رزاقی که قرار است بهترین و خاص‌ترین عطر زندگی‌اش را پس از ازدواج با عاطفه و بارداری او بسازد، با واقعیتی هولناک روبه‌رو می‌شود و او را که از آغاز با جسارت‌هایش شناخته‌ایم، در دنیایی از ترس و نگرانی بابت آینده غوطه‌ور می‌یابیم. در اینجا باز هم فیلمساز برای نشان دادن عمق نگرانی علی به سراغ جزئیات بصری می‌رود تا بتواند از ابزار سینما برای عبور از سطح پرداخت‌های دراماتیک آشنا و تکراری عبور کند. اختلال روحی علی پس از مواجه‌شدن با واقعیت تلخ زندگی‌اش بافت رنگی خرابی سقف خانه را به تصویری انیمه و زنده‌نما تبدیل می‌کند و فرزند هنوز به دنیا نیامده‌اش را بر سر سراز خود می‌بیند.

اختلال در باور شخصیت‌ها

تلاش علی برای دست‌نزدن به طلاهای همسرش و روی آوردن به شغلی که پیش از این نکبت‌بار بودندش به او

احیای ایده‌های نو

«عطرآلود» یک تجربه کارگردانی موفق برای فیلمنامه‌نویس کاربلدی است که این بار خودش نویسنده فیلمنامه آتش نیست و سعی کرده با انتخاب فیلمنامه‌ای با ایده دلخواهش، در حیطه کارگردانی شیوه‌های جدیدی را تجربه کند که نتیجه‌اش رویکردی با کمک جلوه‌های بصری به سوی به تصویر کشیدن دنیایی است که در آن شخصیت‌ها سعی می‌کنند با تمرکز روی خیال‌های متمركز شده در ذهن‌شان، با اتفاقات مهم زندگی‌شان روبه‌رو

دیجیتال اهدا شد و سریال‌های «خرس»، «آخرین ما» و «سگ‌های انباری» از جمله برندگان تلویزیونی جایزه پیبادی بودند. همچنین روزنامه‌نگاران و پادکست‌های دریافت‌کننده جایزه در این جایزه برای موضوع‌های بسیار جدی از جمله سیاست، نژادپرستی و جنگ در غزه این جایزه را بردند. جایزه افتخاری این جشنواره نیز به مل بروکس، کمدین، کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده اهدا شد.

ثابت شده، نیازمند انرژی روحی و جسمی فوق‌العاده‌ای است که برای شخصی با ویژگی‌های جسمی علی که معلوم نیست تا چه زمانی امکان نفس‌کشیدن دارد، آن قدرها قابل باور نیست و به همین دلیل هم نمی‌تواند مخاطب را در دشوارترین لحظات زندگی علی با او همراه کند. از طرف دیگر رفتارهای عاطفه به عنوان کسی که با لحظه‌های رنج علی همراه است، نمی‌تواند در مسیر پرفرازونشیب زندگی علی و هدفی که تعقیب می‌کند، منطقی به نظر برسد. او به عنوان زنی که قرار است به زودی مادر شود، در مواجهه با نمودار روبه‌زوال زندگی علی، دغدغه‌مندی لازم برای ایفای نقش موثر را ندارد که اگر این نقش مسیر منطقی‌اش را طی می‌کرد، گره‌خوردن آن با تصمیم نهایی عاطفه برای ایده‌دادن به علی می‌توانست مهم‌ترین و تاثیرگذارترین و چه مشخصه اثر باشد؛ همچنان که در وضعیت فعلی فیلم هم با زگشت به گذشته علی و پایان رفتارهای هیجانی‌اش با خود و دیگران، نقطه‌عطفی برای عطرآلود است و با زگشت مقدم دوست به سینمای مورد علاقه‌اش و کلنجار رفتن با حس‌های درونی آدم‌هایی که مدام در مواجهه با نهمیه که از عمق درون‌شان می‌شوند، رفتار زیستی اخلاق‌مدارشان را تنظیم می‌کنند.

اسانس دلخواه درون صندوق خاطرات

آنچه مخاطب عطرآلود را به دنبال‌کردن سرنوشت شخصیت اصلی اثر ترغیب می‌کند، تاکید مکرر فیلمساز بر تصویرگرفتن شخصیت‌ها از زندگی‌شان و مستندسازی آن برای آشنندگان نیست که اگرچه می‌تواند اشاره هنرمندانه‌ای به تاثیر تصویر بر زندگی آدم‌ها باشد، ولی همچنان معتقدم که می‌توانست در قالبی محدودتر، به نتیجه منطقی‌تر و بهتری می‌رسید. آنچه عطرآلود را با وجود همه ضعف‌های فیلمنامه در سکانس‌های پایانی به اثری درخورتامل تبدیل می‌کند، با زگشت علی رزاقی به دنیایی است که به دور از همه‌خوشونت‌ها و ایداع اخلاقی‌های آدم‌هایش، عشق و تولد می‌تواند تم آشنایی برای عطر جدید و به یادماندنی‌اش باشد. علی از دل صندوقچه سبز خاطراتش بار دیگر به دنیایی که یک شیشه بر از گل می‌توانست اسانس جذابی برای عطر دلخواه باشد، بازمی‌گردد. پیوند خوردن تولد عطر جدید علی با به دنیا آمدن فرزندش، نتیجه اخلاقی تلاش او برای جبران اشتباهاتش است.

تغییر زمان رویداد استارت‌آپی فیلمنامه‌نویسی

اولین رویداد استارت‌آپی فیلمنامه‌نویسی که قرار بود هفته اول تیرماه به مدت سه روز برگزار شود، به‌دلیل همزمانی با انتخابات ریاست‌جمهوری، هفتم تا نهم مرداد برگزار می‌شود. این رویداد با ریاست محمدحسین ایمانی‌خوشخو، رئیس پارک ملی علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی قرار بود هفته دوم مرداد و در ایام بزرگداشت سالروز تشکیل جهاد دانشگاهی برگزار شود. «ایده» یا «خلاصه طرح» در گونه‌های سینمایی بلند، کوتاه داستانی و سریال از بخش‌هایی است که علاقه‌مندان از تمام استان‌های کشور آثارشان را برای دیرخانه رویداد ارسال کرده‌اند. رویداد استارت‌آپی فیلمنامه‌نویسی، زمستان سال گذشته فراخوان داد و نزدیک به هزار اثر از تهران و سایر استان‌های کشور به دیرخانه آن ارسال شد. هیات‌انتخاب این رویداد متشکل از پوران درخشنده، مهدی سجاده‌چی، محمود اربابی، رضا حیدرنژاد، مهدی احمدی، هومان فاضل، علی مؤذنی، مصطفی رستگاری، محمدباقر قهرمانی و حسین رحیم‌زاده بعد از بررسی آثار ارسال شده، ۹۸ اثر را برای ورود به بخش ارائه و مسابقه انتخاب کردند.

اضافه شدن «این جمعیت قابل کنترل» به اکران

فیلم سینمایی «این جمعیت قابل کنترل» به کارگردانی محمدمتین اوجانی طبق اعلام دفتر پخش قرار است از چهارشنبه هفته آینده (۳۰ خردادماه) به فیلم‌های در حال اکران اضافه شود. این جمعیت قابل کنترل اولین تجربه سینمایی محمدمتین اوجانی در حوزه درام

اجتماعی است و مهرداد فرید، تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده دارد. نویسندگی این فیلم را روناک برخوردار برعهده داشته و فریده سپاه‌منصور، محمدرضا داوودنژاد، علیرضا استادی، زهرا داوودنژاد، روناک برخوردار، مرجان قمری، رسول غفلیعی، مهناز افشاردینیا، وحید الهویی، مریم شاه‌ولی و محسن آشتیانی‌پور در آن بازی کرده‌اند. داستان این فیلم زندگی یک زن مسن مبتلا به زوال عقل را دنبال می‌کند که هنوز آرزوی اصلی خود را فراموش نکرده است. تلاش فرزندان او برای برآوردن این آرزو منجر به مجموعه‌ای از حوادث و ماجراها می‌شود.

برخی از عوامل اصلی فیلم عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: شاهین عراقی، مدیر صدابرداری: محمود سماک‌باشی، آهنگساز: مسعود سخاوت‌دوست، طراح صحنه: مسعود اوسطلی، طراح لباس: سوفیا شکری و...



عیدانه عمار برای فعالان فرهنگی- رسانه‌ای

فعالان فرهنگی - رسانه‌ای با اکران هر یک از فیلم‌های «ایلیا جست‌وجوی قهرمان» و «آپاراتچی» در دهه ولایت و ایام عید مباحه (از ۲۸ خرداد تا ۱۱ تیر)، علاوه بر در نظر گرفتن شرایط ویژه اکران، سه کمک‌هزینه سفر به کربلای معلی در ایام اربعین به‌عنوان عیدانه دریافت خواهند کرد. عموم فعالان فرهنگی می‌توانند این دو فیلم را در مکان‌هایی مانند مسجد، حسینیه، دانشگاه، حوزه علمیه، سالن‌های شهر و روستا و... به نمایش بگذارند و جهت دریافت اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام می‌توانند به سایت Ekranmardomi.ir مراجعه کنند یا با شماره ۰۲۱۴۲۷۹۵۰ تماس بگیرند.

